

حاطره یک عمر مهر و تلاش

درباره فرامرز پایور

نمای مهر

□ فرامرز پایور متولد ۱۳۱۱/۱۱/۲۱ تهران - تحصیل در مدرسه دارالفنون - تحصیل زبان انگلیسی در دانشگاه آکسفورد - بهره مند از محضر استادان قدیم دستگاهی ایران همچون ابوالحسن صبا، عبدالله دوامی، نورعلی برومند و... - تألیف متد آموزشی سنتور از پایه تا دوره عالی - تأسیس گروه اساتید اجرا و ضبط دهها اثر گروهی و تکنوازی - فرامرز پایور یکی از مهمترین نوازندگان سنتور و چهره های آموزش موسیقی دستگاهی ایران است. «مهرگان» امروز به شرح زندگی او می پردازد:

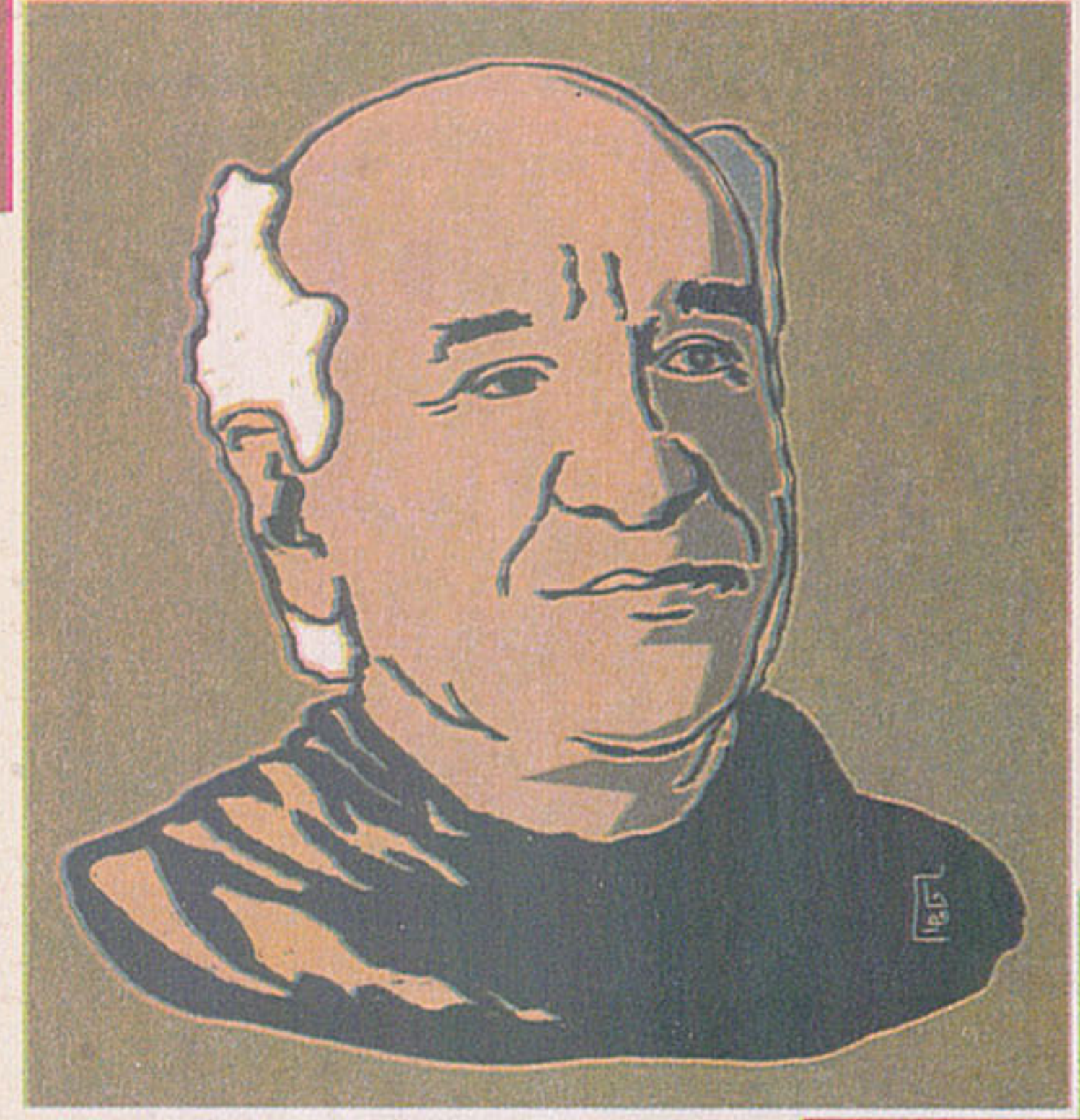


فاجعه است اگر بدانیم که استاد فرامرز پایور، مرد خستگی ناپذیری که ۴۵ سال تمام، تمرین مرتب روزانه را ترک نکرد و هیچ روزی از مضراب هایش جدا نشد، پنج سال است که به ضرب سکتی ای بنیان افکن، به بستر افتاده و دستهای هنرمند و پر توانش یاری حرکت ندارد. تحمل این فاجعه هم تنها از بزرگی چون او برمی آید، اگر چه درک رنج و شکنجه او برای هر موسیقی دوستی جانکاه است. برای کمتر موسیقیدانی چون او این همه جلسات تجلیل و تکریم و طلب شفا از خداوند بر گزار شده و این همه احساسات از سوی لشکر طرفداران و شاگردان او، پاسخی است که به خاطر یک عمر عشق و تلاش به موسیقی گرفته است.

سید علیرضا میر علی نقی: اگر سؤال شود که ادبیات ویژه سنتور در پنجاه سال گذشته، با نام و آثار چه کسی تعریف می شود، بی تردید تنها نام فرامرز پایور به زبان می آید. فراتر از یک استاد موسیقی و یاری دهنده از یک معمار خستگی ناپذیر، بنای سنتور، نوازی معاصر را معماری کرده است. او نماینده تهاگرایش سنتورنوازی در عصر خود نبوده است، همزمان با نوازندگان دیگری هم بودند و هستند و هر کدام ارزشهای متفاوتی را در این ساز کشف کرده اند که به غنای رپرتوار این ساز و برداشتهای متنوع از آن می افزاید. اما هیچ کدام مانند فرامرز پایور، فرهنگ ساز و مؤلف و معلم نبوده اند. این خصوصیات برجسته، اکنون که پنج سال از بیماری جانکاه و بستری شدن دائم الاوقات این استاد پر کار و خستگی ناپذیر می گذرد، بیشتر خود را نشان می دهد.

□ فرامرز پایور، بنیانگذار و معمار گرایش مسلط سنتورنوازی امروز، بویژه در بعد از کنترل و بعد آموزش است. بررسی مختصات موسیقی و وضعیت سنتور در عصری که او آموختن موسیقی را آغاز کرد، بسیار ضروری است و تا به حال کسی این کار را نکرده است. در این صورت است که معلوم می شود او چه کار شکنی را انجام داده و فواید آن برای چندین هنرجوی سنتور چه امکاناتی را به ارمان آورده است. بررسی این مسیر باریج و خم، بررسی مسیر زندگی هنری اوست؛ و بدون این بررسی جزء به جزء و تنها با انتیچه خواری و فهرست کردن آثار او - که حجم غیر قابل باوری دارد - این حق ادا نمی شود. پایور نوجوان در سال ۱۳۲۸ به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت. پیش از این مدتی کوتاه را نزد آقای «روشن»، مقدماتی او آموخته بود. وی هنوز زنده است و در آمریکا به سر می برد. آغاز کار موسیقی برای او به معنی آغاز عصیان در خانواده بود. خانواده ای اصیل و ریشه دار که مثل خانواده صبا، موسیقیدان شدن را برای فرزندان نمی پسندیدند و پایور نوجوان مجبور بود با سماجت و پایداری راه خود را باز کند. در این خانواده، پدر بزرگ او مصورالدوله از نقاشان قابل عصر قاجار بود و پدرش، علی پایور از مشهورترین معلمین زبان فرانسه در دبیرستانهای معروف تهران که شیوه تعلیم و تدریس او زبانزد جامعه فرهنگیان بود. زنده یاد، دکتر امیر حسین جهانگیرلو دانشمند اقتصاددان فقید در نامه ای به فرزندش رامین (که اکنون از چهره های مشهور و شناسندگان فلسفه معاصر جهان در ایران است)، از خصوصیات برجسته علی پایور در رفتار و گفتار و سروپایش می نویسد و اضافه می کند: «من هر چه در زبان فرانسه بلدم از او بلدم. او آدمی بود که در کارش واقع مایه می گذاشت. می توان به راحتی این خصوصیات را در مورد روش زندگی و کار فرامرز پایور نیز نوشت و از درستی آن اطمینان داشت.

سایر اعضای خانواده پایور نیز در زمینه فرهنگ و هنر ناپور بوده اند. همایون پایور فیلمبردار و نیز زنده یاد مهندس امیر پایور، پدر او که بازیگر قابل در سینمای بعد از انقلاب بود و در ماه ۱۳۸۲ در ۹۱ سالگی در گذشت. یکی از منتقدان دربار و نویسنده: «منزل مهندس پایور در سالهای بعد از کودتای ۱۳۳۲ بناگاه نوجوانانی بود که دنبالش منابع ادبیات و موسیقی کلاسیک جهان می گشتند و در خانه او، اینها را پیدای می کردند، فرامرز پایور مانند همه افراد پیشرو و آغازگر، به خود تکیه کرده و هرگز از ریشه های خانوادگی خود سخن نگفته و اگر چه نفوذ تربیت خاندان های قدیمی ایرانی در رفتار و کردار او بارز بوده است. □ هنگامی که پایور نوجوان - ۱۷ ساله - برای فراگیری سنتور به کلاس درس استاد ابوالحسن صبا در خیابان



نشان نداده و در کارهای ارکستری او صدای این ساز را نمی شنویم. نغمه برداری او با سلیقه و دقت و حس تداوم درونی است و در آثار موسیقایی دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، تمیزترین صدای ارکستر ایرانی از آن اوست. در واقع، موسیقی استاد فرامرز پایور، پلی بود بین میراث صبا و محجوبی و آن جزئیاتی که جوانان موسیقیدان و تحصیلکرده در دانشکده هنرهای زیبا از اوایل دهه ۱۳۵۰ به راه انداختند و موسیقی امروز ما را الگو شدند. در فاصله زمانی بین دو، حدود پانزده سال، هیچ کس جز استاد فرامرز پایور، کار جدی و پیگیر در زمینه موسیقی اصیل انجام نمی داد و حق او در این مقطع تاریخی بر گردن فرهنگ ایران بسیار زیاد است.

استاد همیشه خلاق و همیشه آموزگار، فرامرز پایور، مردی است که با عشق به کار زندگی کرده و کار کردن تمام زندگی او بوده است. وفاداری به اصول حرفه ای، آداب دانی، احترام به اساتید و نظم پذیری، جزو بیاسای تخطی ناپذیری زندگی او بود که هر کس نمی پذیرفت و یا در آن سستی می کرد، از حوزه او بیرون رانده می شد و تاوان محرومیت از دانش پر ارزش استاد را می برداخت. استاد پایور، هیچ وقت با موسیقی سر شوخی نداشت و به هیچ کس اجازه نمی داد که موسیقی و موسیقیدان اصیل را خوار و خفیف کند. وی حتی با کسانی که با موسیقی موسوم به مطربی با طعنه نگاه می کردند، برخورد داشت و مطمئن ترین منزل برای آغاز راه آموزش سنتور است.

تولیزون ملی ایران، نگارش کتب آموزشی «دومین» «سنتور» و «بعد از زنده یاد حسین صبا» نوشت و تا کنون پر فروش ترین کتاب آموزش موسیقی در ایران بوده است، نظارت بر کار گروههای دیگر و تصحیح آنها و کار با خوانندگان بسیاری که از ابوالهباب شهیدی و شجریان، تا شهرام ناظری و حمید رضا نوربخش و علی رستمیان یار وفادار او در سالهای اخیر) جزو این فهرست هستند و کمتر کسی است که نماند استاد پایور چه جس مسئولیت و دقتی روی جوانان خواننده داشته و برای رشد آنها از سرمایه هنری و حیثیت خود هزینه کرده است و این نیز از اخلاق استادش صبا بزرگ به یادگار است. هر خواننده ای که با او و ارکسترش کار کرد، به نوعی از آبروی هنری رسید، کار کردن با او و «گروه اساتید» اسباب کسب اعتبار و افتخار بوده است. با وجود تنوع معاشران هنرمندان از قدامت نوازندگان امروز، او همواره دلخواه خود را همیشه از بین نخبگان برگزیده است: جلیل شهباز و هوشنگ ظریف (تار)، رحمت الله بدیمی و اصغر بهاری (کمانچه)، حسن ناهید و محمد موسوی (تی)، حسین تهرانی و محمد اسماعیلی (تنبک). استاد به نواختن تنبک هم آشنا و تأثیر گرفته از استاد حسین تهرانی است و گاه در لحظات خصوصی و خلوت کلاس درس، برای شاگردان چند میزان نواخته و شعری را به لحن خوش با آنها همراه کرده است. طرفه اینکه هیچ گاه به هدف علاقه ای حرفه ای او اعتقاد داشتند.

خدمت فرهنگی بزرگی که او در سنین زیر سی سال به راهنمایی استادش به انجام رساند، برگزاری جلسات نشست متوالی با استاد ردیف دان، عبدالله دوامی بود. به قصد نت نویسی ردیف آوازی و تصنیفهای قدیمی او، که صبا ارزش این کار را برای آیندگان به خوبی می دانست و با بصیرتی عمیق می دید که شاگرد برگزیده اش می تواند آن را تعهد کند. این مجموعه نقیص نت نویسی شده، البته بدون نوازش، با وقفه ای از چهل ساله منتشر شد. استاد پایور علت این وقفه را «فرقتهای فراوان آموزشی و اجرایی» می داند. این جمله را در روز برقی ۲۹ آذر ۱۳۷۹، هنگامی که با چهره های افسرده مراسم چهلمین سالگرد استاد صبا در گورستان ظهیرالدوله اترک می کرد، در پاسخ نویسنده این یادداشت، گفت و اکنون بعد از شش سال، نه نوازی این مجموعه و نه مجموعه نواها و نتهای آثار رکن الدین مختاری منتشر شده است که پایور در سالهای جوانی با نظم و علاقه، آنها را ضبط و نت نویسی کرده بود.

سالهای ۱۳۵۸-۱۳۳۸، بوی او سالهای کلر خستگی ناپذیری روی صحنه بود. او اولین سنتورنوازی بود که روی سنتور نوا سازی می کرد و نتها در پی بدیهه نوازی نبود. به بیان روشن تر، نتها آهنگسازی بود که سبب تخصصی او، سنتور بود. دهه های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، عصر ویولون بود و تقریباً تمام نوازان و قطعه نویسان و تنظیم کنندگان موسیقی ایرانی (به جز جوامع عرفی)، با سبب تخصصی ویولون شناخته می شدند. جالب اینکه دهه دوم استاد پایور، سه تار بود و مشقهای اولیه آن را از صبا فرا گرفته است ولی جز در خلوت خود در جای دیگر دست بر سه تار نبرد و این برخلاف رسم همیشگی نوازندگان است که اگر ساز اولشان کشتی باشد، ساز دومشان مضرب است و برعکس و جالب تر این که استاد پایور کتاب مستقلی برای قطعات مجلسی ویژه اجرا با ویولون و گزک و کمانچه نوشته که در نوع خود بسیار قابل استفاده است.

او در این سالهای پر کار، هارمونی و کمپوزیسیون را در کلاس استاد بزرگ عصر، امانوئل ملیک اسلانیان آموخت و ترجیح داد برای ادامه تحصیلات کلاسیک خود که سالها پیش، عشق موسیقی آن را کنار زده بود، به انگلستان برود. همان پیشکار همیشگی درس خواند و از دانشگاه کمبریج در زبان و ادبیات انگلیسی دانشنامه گرفت و در تمام این سالها از معرفی موسیقی و سنتور و فرهنگ ایرانی به محافل دانشگاهی انگلستان، غافل نبود و برنامه های تلویزیونی از آن سالها در آرشیو رادیویی بی بی سی وجود دارد.

در آن بیست سال کار شدید و شبانه روزی، فرامرز پایور که به تعبیر دوست و دستار سالخورده اش محمد علی امیر جاهد «استادی جوان و قابل» شده بود، وظیفه فرهنگسازی و موسیقی پروری خود را با شوق و حوصله و نظمی شگفت انگیز انجام داد و به تعبیر شاگرد وفادارش، زنده یاد فرامرز کیارس، «یک تنه به اندازه ده نفر آدم فعال، کار کرده و این افراتر است، با وجود مساعدت هایی که استاد پایور در زمان سلامتشان به نویسنده برای فهرست نویسی کل اجراها و فعالیت ها و آثارشان کردند هنوز نتوانسته اطمینان پیدا کند که به قطعیت رسیده و هر از چند گاهی، نکته ای پنهان مانده از تلاشهای شبانه روزی این قهرمان خستگی ناپذیر در عرصه موسیقی، پیدای می شود و شگفتی را مکرر می کند. با گردش سریع و بسیار گذرا شاید بتوان فعالیت های ایشان را در این چند جمله فشرده و خلاصه کرد: بیش از هزار و پانصد اجرای گروهی و فردی روی صحنه های داخل و خارج از کشور (با همه مشکلات نوا سازی و ویژه این کار) آهنگسازی، تنظیم، تدریس صفا و صدا شاگرد از چهار نسل متوالی، نت نویسی قطعات قدما، حضور در هنرستان و هنرکده موسیقی ملی، اداره هنرهای زیبا و واحد موسیقی رادیو